

# گفتاری کوتاه در پاسخگویی، اقتدار و امنیت ملی\*

● دکتر ابراهیم حسن بیگی\*\*

● دکتر مهدی مطهرنیا

## مقدمه

سال یکهزار و سیصد و هشتاد و سه، بنا به پیام نوروزی مقام معظم رهبری در آغازین ثانیه‌های این سال به نام «سال پاسخگویی» مزین شده، و رهبر فرزانه انقلاب در مقام ولایت امر و رهبر امت؛ بر آن شدند که در پرتو عنوان پاسخگویی، مسئولان را ملزم به پاسخگویی به «مردم» نمایند؛ همانانی که انقلاب کرده‌اند و در راه استمرار و استقرار قدرت نظام برخاسته از انقلاب اسلامی در قریب به سه دهه از هیچگونه مجاهدت و ایثاری رویگردان نبوده‌اند.

این نام گذاری براساس سنت حسنه‌یی است که توسط معظم له در سالهای گذشته نیز سابقه داشت. بعد از نام گذاری سالیان گذشته با عناوینی چون وجدان کاری و انضباط اجتماعی، اقتدار ملی، سال امام علی (ع) و رفتار علوی، نام گذاری این سال به نام پاسخگویی، حامل پیامی جدی در عرصه حیات ملی است.

نگاهی به عناوین سال‌های گذشته نمایانگر رویکرد نماد سازانه‌ای است که در پس هر عنوان فضای توجه به مفاهیم و موضوعات بنیادین و اصولی‌ای را مدنظر دارد که

\* مقاله حاضر باز نویسی گفتگویی با جناب آقای دکتر مهدی مطهرنیا در باب سال پاسخگویی بوده

که به صورت یک مقاله تهیه و تنظیم نهایی شده است.

\*\* پژوهشگر و جانشین ریاست دانشگاه عالی دفاع ملی

بذل توجه به هر کدام از آنها، زمینه ساز و زمینه پرور افزایش توان ملی برای حصول به اهداف ملی تعریف شده می باشد؛ تا با اصلاح وضع موجود متناسب با زمانه های مختلف تاریخی، جامعه ملی روند تکامل تاریخی خود را تسریع سازد.

نام گذاری سال یکهزار و سیصد و هشتاد و سه، در پس عنوان «سال پاسخگویی» به سالم سازی فضای حیات جمعی در جامعه ملی با اتکا به اصلاح روابط سیاسی مردم، با دستگاه حکومتی و بالعکس اشاره دارد. مقاله ای حاضر با تأکید بر شفاف سازی این رویکرد تلاش دارد که به نقش «پاسخگویی» در افزایش اقتدار و امنیت ملی توجه نماید.

### پاسخگویی به مثابه یک ارزش یا یک هنجار

جامعه به مثابه یک کل، از طریق ارزش ها، هنجارها، مقررات، عادات و آداب و سنن اجتماعی اش، افراد را به پیروی از سازمان اجتماعی وادار می کند؛ و آنان را فرهنگ پذیر و جامعه پذیر می نماید؛ به عبارت دیگر فرآیند فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن افراد جامعه در سایه فراگیری رسوم و هنجارهای جمعی که از ذهنی ترین و انتزاعی ترین لایه های اجتماعی می باشند، امکان پذیر می شود، بنابراین سازمان یافتگی و انتظام اجتماعی که به معنی همسازي و هماهنگی بخش های مختلف جامعه با هم و متابعت آنها از فرامین، تکالیف و مقررات اجتماعی است از طریق فرآیند مذکور ایجاد می شود.

بنابراین در مجموع، جامعه دارای قدرتی معنوی است که همان ارزش ها و هنجارهای فرهنگی است؛ و افراد هم دارای فرهنگ پذیری هستند. از روند پذیرش و قبول قدرت معنوی جامعه، انتظام و نظام یافتگی جامعه شکل می گیرد، پس ارزش ها و هنجارها از مختصات اساسی ایجاد انتظام و نظام یافتگی جامعه می باشند.

شکی نیست که در هر جامعه اموری زشت و اموری زیبا وجود دارد و افراد در یک روند طبیعی آنها را پذیرفته و یا ملزم به پذیرش آنها هستند. حال سؤال این است که آیا همه ی این ارزش ها صرفاً اجتماعی اند و با تفاوت میان اجتماعات بشری متفاوتند؟ یا خیر، اصول آنها فراتر از اجتماعی بودن، انسانی اند و در تمام اجتماعات انسانی ساری و جاری اند؟ به بیان دیگر آیا هر جامعه برای خود یک سلسله ارزش های پذیرفته شده و قابل قبولی دارد که در جامعه دیگر، غیر قابل قبول و ناپذیرفتنی اند؟ یا نه، ارزش ها دارای درجات و مراتب مختلف هستند که برخی از مراتب آنها کلی، عمومی و دائمی بوده و از

ثبات، استحکام و عمومیت برخوردارند؟ به عبارت دیگر، آیا ارزش‌های نسبی، عصری و منطقه‌ای‌اند؟ یا خیر برخی از ارزش‌ها همانند علم دوستی، عدالت خواهی، آزادی‌طلبی و حقیقت‌جویی، فراتر از محدوده اجتماعات و اماکن و زمان؛ بشری، انسانی و ضبعاً کلی و عمومی می‌باشند؟

به نظر می‌آید که با توجه به دریافت‌های تاریخی و مطالعه‌ی جوامع مختلف انسانی، نظریه سؤم صحیح می‌باشد. به این معنا که بشریت در طول و مراحل مختلف سیر حیات جمعی خود، صرف‌نظر از تعلق خود به این یا آن نژاد، صرف‌نظر از وابستگی به این منطقه یا آن منطقه جغرافیایی و یا آن حوزه آب و هوایی، یک سلسله اصولی را خوب و دلچسب و یک سلسله اصولی را بد و نفرت‌آور و ناشایست می‌دانسته است و حقیقت و آزادی، برابری و عدالت را ارزش و ظلم و تبعیض را ضد ارزش می‌دانسته است.<sup>۸۹</sup>

پس تمامی ارزش‌های رایج در اجتماعات بشری با تحولات آنها وارونه شده و با انقلاب اجتماعی منقلب نمی‌گردند. اگرچه با تکامل اجتماعات، غنای مفهومی می‌یابند و متکامل می‌شوند؛ یعنی درک بشریت از آنها کامل‌تر و دل‌باختن انسان‌ها به این ارزش‌ها بیشتر می‌شود. با این حساب می‌توان گفت که «اصول ارزش‌های اجتماعی»، ریشه‌هایی در عمق انسان و در فطرت و وجدان و باورهای او دارند و برپایه و بنیان‌های انسانی استوار می‌گردند و ضبعاً به وسیله گرایش‌های انسانی و نه صرفاً با خواست جمعی، محک زده می‌شوند.<sup>۹۰</sup>

اما در این فضا، هنجارها و نورم‌ها نیز قرار دارند؛ هنجارها و نورم‌ها، قواعد عمومی رفتار بشری‌اند که به موقعیت و شرایط وابسته‌اند و در قالب آداب و رسوم و سنن اجتماعی ظاهر می‌شوند. بنابراین هنجارها و نورم‌ها عوامل سامان‌دهنده و کنترل‌کننده رفتارهای انسان‌های مقیم در یک محدوده جغرافیایی‌اند، رفتار و عمل انسان توسط آداب و رسوم و سنن اجتماعی‌اش شکل می‌گیرد و نظم می‌پذیرد و گرنه فردی ناهنجار، کج رفتار و ناسازگار معرفی می‌گردد و از جماعت و جمع طرد می‌شود.

با این ترتیب کارکرد سنت‌ها و آداب و رسوم اجتماعی، ثبات و نظم و سامان جامعه و الگودادن رفتار، منظم کردن اعمال، به قالب آوردن رویه‌ها و ضبعاً تثبیت و تحکیم وحدت رفتاری است. پس هنجارها نقش مهمی در حیات و تداوم جامعه بازی می‌کنند. براساس همین کارکرد و جایگاه بنیادین است که حضرت امیر (ع) خطاب به



مالک اشتر می‌فرماید:

«هرگز سنت‌های پسندیده‌ای را که پیشوایان این امت به آن عمل کرده‌اند و الفت و انس به سبب آن بین مردم پدید آمده و امور رعیت به وسیله آن اصلاح گردیده است، نقض نکن و نیز سنتی که به سنن گذشته زیان می‌رساند، احداث منما؛ که اجر و پاداش برای کسی خواهد بود که آن سنت‌ها را برقرار کرده است و گنااهش برتو که آنها را نقض نموده‌ای»<sup>۹۱</sup>

اکنون پرسش آن است که «پاسخگویی» به مثابه یک هنجار است یا در مقام یک ارزش؟ به نظر می‌رسد از جنبه ذهنی «پاسخگویی» در مقام یک تکلیف که مسؤولان جامعه را در برابر عقل جمعی مکلف به پاسخگویی می‌نماید یک ارزش است که به امکانه و از منته خاصی تعلق ندارد؛ اما در مقام عینی نمودن این ارزش ذهنی، برخورد هنجار با آن در مقطعی از زمان و در جغرافیایی تعریف شده از مکان؛ ضرورت پیدا می‌کند. از همین رو، تأکید مقام معظم رهبری بر «پاسخگویی» در مقام یک ارزش به سال و زمان خاصی محدود نمی‌شود؛ و نام‌گذاری یک سال با این عنوان بهره‌مندی از یک برخورد هنجار سازانه در جهت تأکید و تحکیم آن ارزش است.

### پاسخگویی و اصلاح اجتماعی

.... رعیت هیچگاه اصلاح نمی‌شود، مگر با اصلاح والیان؛ و زمامداران هرگز اصلاح نمی‌گردند جز با روبه راه شدن رعایا. پس آنگاه که رعیت حق حکومت را ادا کند و حکومت نیز حق رعایا را مراعات نمایند؛ حق در میانشان قوی و نیرومند خواهد شد.<sup>۹۲</sup>

هر جامعه‌ای کم و بیش با سلسله‌ای از کمبودها، نقص‌ها و مفاسد در بخش‌های مختلف و ساخت‌های گوناگون مواجه است؛ و از یک سلسله جرم‌هایی چون قتل، سرقت، خشونت، شورش، تکدی، کم‌کاری، رشودخواری، پارتی بازی، باند بازی، طلاق و امثال آن رنج می‌برد. گاه گروهی نابهنجار می‌شوند و علیه سنن و آداب و رسوم و موازین فرهنگی جامعه شورش می‌کنند و گاه گروهی بزه کار و مجرم می‌گردند و به مال و جان و حیثیت مردم دستبرد می‌زنند و امنیت عمومی را مختل می‌سازند و زمانی هم کثرت طلاق و رواج فحشا خبر از بحران و تزلزل کانون‌های خانوادگی می‌دهند و امنیت مهم‌ترین و حساس‌ترین واحد اجتماعی را تهدید می‌نماید.

در چنین شرایطی که جامعه و نظام رفتاری آن دچار آشفتگی و هرج و مرج و اختلال و ناهمسازی می‌شود، مصلحان اجتماعی که داعیه اصلاحات دارند و می‌خواهند علیه مفساد برخیزند؛ چه باید بکنند؟

آیا معماری و مهندسی او باید جزئی‌نگر و تدریجی و یکی پس از دیگری باشد و یا خیر، کلی‌نگر، عمومی و همه جانبه؟ به عبارت دیگر آیا اصلاح اجتماعی امری تام و یکپارچه است تا همزمان همه ابعاد و بخش‌های اجتماع را فراگیرد، یا امری ترکیبی و تدریجی الحصول می‌باشد و می‌تواند دوره به دوره و از یک بخش به بخش دیگر تحقق پیدا کند؟

با عنایت به خطبه ۲۰۷ نهج‌البلاغه، جامعه هنگامی اصلاح می‌شود و به صلاح و سداد می‌آید که روابط سیاسی جامعه اعتدال یابد. یعنی رابطه دستگاه حاکمه با مردم رابطه‌ای صادقانه و قانونی باشد و هر یک از اختیارات و وظایف خود تعدی نکند. بنابراین دیدگاه، برای هر گونه اصلاحی و برای هر گونه پیشرفت و تعالی قابل تعریفی، در وهله اول باید سراغ نظام سیاسی جامعه رفت و آنرا از کجی و کاستی به نظم و صلاح آورد. پس براساس فرمایش مولی‌الموحدین علی (ع):

«... رعیت هیچگاه اصلاح نمی‌شود، مگر با اصلاح والیان، و زمامداران اصلاح نمی‌گردند جز با روبه راه شدن رعایا، پس آنگاه که رعیت حق حکومت را ادا کند و حکومت نیز حق رعایا را مراعات نماید، حق در میانشان قوی و نیرومند خواهد شد و جاده‌های دین صاف و بی‌دست انداز می‌گردد، نشانه‌ها و علامت‌های عدالت، اعتدال می‌پذیرد و راه و رسم‌ها درست در مجرای خویش به کار می‌افتد، بدین ترتیب زمان و عصر به صلاح می‌آید؛ و به بقای دولت امید بسته می‌شود و دشمنان مأیوس خواهند شد؛ اما آنگاه که رعیت بروالی خویش چیره گردد و یا رئیس حکومت بر رعایا اجحاف نماید، نظام برهم می‌خورد - تفرقه پدید می‌آید - و نشانه‌های ستم و جور آشکار خواهد گردید، و دستبرد در احکام دین بسیار می‌شود، و جاده‌های وسیع آداب و سنن متروک خواهد ماند، پس برطبق هوا و خواهش نفسانی عمل می‌شود و احکام خداوند تعطیل می‌گردد و بیماری‌های اخلاقی بسیار می‌شود، و در نتیجه مردم، از حقوق بزرگی که تعطیل می‌شود و باطل‌های عظیمی که رواج می‌یابد؛ وحشتی نمی‌کنند.»

بدین گونه، به وضوح می‌توان گفت که صلاح جامعه به اصلاح روابط سیاسی مردم

با دستگاه حکومتی و بالعکس وابسته است و در چنین حالتی سایر روابط اجتماعی نیز سامان می‌پذیرد، ولی هنگامی که وضعیت مذکور به هم می‌خورد و روابط و اعمال سیاسی از محدوده انعطاف و اعتدال خارج می‌شود؛ سایر نظامات اجتماعی هم دستخوش بی‌نظمی و اختلال و فساد می‌شوند.

با توجه به اهمیت اصلاح روابط سیاسی مردم با دستگاه حکومتی و بالعکس، اتخاذ خط مشی و رویه اجرایی، «Policy» معینی برای حصول به این معنا، از اهمیتی به سزا برخوردار می‌گردد؛ اگر این خط مشی بتواند از یک سو نظارت عالیه مردم را بر عملکرد حکام، عملیاتی نماید و از سوی دیگر با قرابت مردم و حکام در چارچوب این نظارت، عملکرد مردم در ارتباط با حکام از استحکام و همگرایی فزاینده‌تر برخوردار می‌گردد.

### مردم و نظارت علیه آنها:

آنچنان که در فراز قبل بیان شد؛ اصلاح یک بخش و تعمیر یک نهاد بدون مرمت و رسیدگی به سایر بخش‌ها و نهادها، مفید فایده‌ای نمی‌باشد. و راه را باز نمی‌کند، مثلاً اصلاح بخش سیاسی جامعه و متعادل کردن روابط سیاسی و توزیع عادلانه قدرت در عین فساد نظام اداری و فساد نظام مالیاتی و فساد نظام تربیتی و اخلاقی جامعه، تأثیر چندانی ندارد؛ اما توجه و رسیدگی متوازن و هماهنگ به همه ابعاد و نهادهای اجتماعی و رفع نقایص آنها به اصلاح و مرمت عمومی می‌انجامد و عدالت اجتماعی را پدید می‌آورد.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که: «میزان صلاح و توفیق یک دستگاه سیاسی و یا یک دولت را از چه طریق می‌توان ارزیابی کرد؟ و از چه راهی می‌توان شناخت که دولتی و یا مصلحتی در فسادزدایی و رفع نقایص و کمبودهای جامعه‌اش موفق بوده است؟ در اینجا پاسخ اساسی مبتنی بر میزان توجه افکار عمومی و قضاوت عامه مردم است، مولی الموحدين علی علیه السلام خطاب به سالک‌اشتر نخعی می‌فرمایند:

«سپس ای مالک بدان که من، تو را به سوی کشوری فرستادم که پیش از تو دولتهای عادل و ستمگری بر آن حکومت می‌کردند و مردم به کارهای تو همان گونه نظر می‌کنند که تو در امور زمامداران پیش از خود و همان را درباره تو خواهند گفت که تو



درباره آنها می‌گفتی، همانا افراد صالح و شایسته را با آنچه خداوند بر زبان بندگانش جاری می‌سازد.»

بنابراین نظارت عمومی و نظرخواهی همگانی می‌تواند محک و معیاری مطمئن و وثیق در ارزیابی توفیق و یا عدم موفقیت اصلاحات اجتماعی مصلحان و ترازوی قابل اعتمادی در نقد عملکرد دولت‌ها باشد.

### پرسشگری و پاسخگویی:

اکنون می‌توان دریافت که پرسشگری مردم و یا نمایندگان مردم از حکام و پاسخگویی حکام به مردم یکی از بهترین مکانیسم‌هایی است که اصلاح روابط سیاسی مردم با دستگاه حکومتی و بالعکس را حاصل می‌آورد؛ و خط مشی قابل اتکایی را نمایان می‌سازد که نظارت عالی‌ه مردم را بر عملکرد حکام عملیاتی می‌سازد. نظارت عمومی را تقویت می‌کند؛ و نظرخواهی همگانی را مستحکم‌تر و عمیق‌تر می‌نماید.

در این فرآیند؛ آگاهی عمومی افزایش می‌یابد؛ و با به میدان خواندن علما، دانشمندان و کارشناسان جهت پرسش و نقد پاسخ‌ها؛ مسائل جدی جامعه را طرح و با اظهار نظر در ارتباط با آنها، بسترهای مناسب ارائه‌ی طرح و برنامه‌های کارآمد را در این زمینه فراهم می‌سازد. در نامه‌ی به مالک‌اشتر می‌خوانیم:

«با علما و دانشمندان در تثبیت و استحکام اموری که بلاد تو را به صلاح می‌آورد به مباحثه و گفتگوی بسیار بپرداز.»

در چنین حالتی؛ فرآیند پاسخگویی؛ زمینه‌های مناسبی برای مباحثه و گفتگوی جدی را فراهم می‌سازد. یک حکومت صالح برای موفقیت اصلاحات خود نیاز به شور و مشورت جدی با حکما و علمای جامعه خود دارد. چنین حکومتی برای تحقق برنامه‌های خود نیاز دارد تا از طریق مباحثه و گفتگو با طیف تحصیل کرده و متخصص خود، نظر آنها را به خود جلب کند و در نتیجه با مشارکت آنها وفاق عمومی را پدید آورد. پیامبر اکرم «ص» می‌فرمایند:

«صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَاءُ صَلَحَتِ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدُوا فَسَدَتِ أُمَّتِي، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُمَا؟ قَالَ الْفَقَّهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ»<sup>۹۳</sup>

با عنایت به نقش پرسشگری و پاسخگویی در ایجاد فضای مناسب تلاقی مردم و

افکار عمومی توده‌ها با هیأت حاکمه از یک سو - گسترش و تعمیق نظارت عمومی - و از سوی دیگر زمینه‌پروری و زمینه‌سازی شایسته در راستای ایجاد فضای مباحثه و گفتگو با عناصر اندیشمند و کارشناس، می‌توان اذعان داشت که «پاسخگویی» در مقام یک تکلیف سیاسی و مدنی، از پشتوانه‌ی عقلی برخوردار و به تبع آن با اتکاء به خرد شرعی در حوزه‌ی دریافت‌های حاصل از منابع دینی، از وظایف شرعی است که در فرمایشات گرانبهای مقام معظم رهبری به شکلی بارز و برجسته مورد توجه قرار می‌گیرد.

### پاسخگویی و اقتدار ملی و امنیت ملی:

اقتدار ملی نیرو و توانی است که از سنت، قانون، عقل و جذبه شخصی در سطح تحلیلی کلان متأثر است و تأسی به آنها موجب ایجاد همگرایی ملی و وحدت سیاسی شده و به تبع ایجاد این وحدت زمینه‌ساز افزایش توان ملی و بهره‌وری بیشتر از قدرت ملی را فراهم می‌آورد.

با عنایت به ماهیت دکترین پاسخگویی در راستای نظارت عمومی مردم و هم‌اندیشی و همراهی اندیشمندان و مسئولان در فضای عقلانیت انتقادی، حاصل از فرآیند پرسشگری و پاسخگویی؛ زمینه‌های «بهداشت سیاسی» در حفاظت از اقتدار ملی فراهم می‌آید؛ «دولت پاسخگو» در برابر «ملت پرسشگر» به داده‌ها و آموزه‌های ناشی از پشتوانه‌های سنتی، قانونی، عقلانی و مدیریتی رجوع می‌کند و نتیجه‌ی حاصل از این رویکرد در گسترده‌ی بذل توجه حاصل از پرسشگری و نظارت عمومی، زمینه‌های مناسبی را برای تقویت اقتدار ملی فراهم می‌سازد.

اگر منبع اصلی اقتدار ملی را حضور فعال و جدی مردم در اداره‌ی امور کشور و نظارت بر عملکرد مسئولان بدانیم. همچنین دموکراسی را در قالب گزاره‌ی «تبعیت مردم از حکام براساس اصل رضایت» معرفی نماییم؛ پاسخگویی مسئولان به مردم، موجب افزایش میزان و رضایت آنها از هیأت حاکمه و گسترش سلامت رفتار سیاسی و حکومتی حکام از طریق اعمال نظارت مردم خواهد شد.

این در حالی است که «پاسخگویی»، جهالت‌های احتمالی و فقدان داوری صحیح ناشی از آن را محدود خواهد ساخت. معرفت نسبت به امور عمومی را افزایش خواهد





بخشید؛ و به تبع افزایش معرفت نسبت به امور عمومی مسؤولیت پذیری‌های فردی و اجتماعی را بالا خواهد برد؛ افزایش این مسؤولیت‌پذیری، نیروی انسانی فهیم و مدرک را در صفحه‌های مختلف فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی حجیم و به تبع آن توان و قدرت ملی متکی بر نیروی انسانی را وسعت و عمق خواهد بخشید.

اگر از زاویه گفتمان امنیت مثبت به مفهوم امنیت بنگریم؛ در خواهیم یافت که عوامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری موجد و تقویت‌کننده‌ی توان ملی در حوزه‌های درون سطحی امنیت شامل امنیت فکری، امنیت فردی، امنیت اجتماعی و همچنین حوزه‌ی بیرون سطحی آن شامل امنیت دسته جمعی و بین‌المللی؛ موجب بالارفتن ضریب امنیت ملی می‌شوند.

نگاهی مجدد به پیامدهای آیین پاسخگویی در افزایش ضریب آگاهی عمومی، نظارت عمومی، بهره‌وری عقلانی از خرد برگزیدگان جامعه ملی و افزایش مسؤولیت‌پذیری مدنی و سیاسی، نمایانگر تقویت عوامل نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه قدرت ملی برای دستیابی به اهداف ملی تعریف شده می‌باشد، از همین رو، آیین پاسخگویی یا کارکردهای متفاوت خود در این بستر در ارتباط مستقیم و مؤثر بر افزایش ضریب امنیت ملی است.

فراموش نکنیم، امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یک جانبه تحقق پذیرد؛ بلکه برای تأمین ملی تشریک مساعی افراد ملت؛ ضرورت دارد.<sup>۹۴</sup> آیین پاسخگویی و مختصات آن فراهم ساز تشریک مساعی آگاهانه مردم در ایجاد امنیت در بستر «عقلانیت انتقادی» است؛ به گونه‌ای که می‌تواند با گسترش «عقلانیت تفاهمی» موجد همگرایی بیشتر دولت و ملت شده، بنیادهای اقتدار و امنیت ملی را مستحکم‌تر سازد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۸۹. مندارس، میانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر برهام (تهران، کتاب‌های سیمرغ، ۱۳۵۴) ص ۱۴۰

۹۰. همان.

۹۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳.

۹۲. پیشین، خضبه ۲۰۷.

۹۳. تحف العقول، باب مواعظ البنی و حکمه، ص ۵۰

۹۴. جعفری فراهانی، علی اصغر، بررسی مفاهیم امنیت ملی، «تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی،

۱۳۷۴».



## فهرست منابع و مراجع:

- ۱- مندارس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام (تهران: کتاب سیمرغ، ۱۳۵۴)
- ۲- جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، (تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹)
- ۳- هیأت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، مسایل جامعه‌شناسی، (تهران: مدرسه‌ی مکتباتی نهج البلاغه، ۱۳۷۳)
- ۴- افشار میتو، آقا بزرگی، نادر، فرهنگ علوم سیاسی، (تهران: سازمان مدارک و اسناد علمی)
- ۵- جعفری فراهانی، علی اصغر، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، (تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۴)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی